

# جغرافیای تاریخی فردوس

بقلم علاءالدین آذری دمیرچی  
دکتر در تاریخ

از شهر تون برفتیم آن مرد گیلکی مرا حکایت کرد که وقتی ما از تون به گناباد میرفتیم دزدان بیرون آمدند و بر ما غلبه کردند چند نفر از بیم خود را درچاه کاریز افکندند ، بعد از آن جماعت یکی را پدری مشفق بود بیامد و یکی را بنزد گرفت و در آن چاه گذاشت تا پسر او را بیرون آورد ، چندان ریسمان و رسن که آن جماعت داشتند حاضر کردند و مردم بسیار بیامدند هفتصدگر رسن فرو رفت تا آن مرد بین چاه رسید ، رسن در آن پسریت و او را مرده برکشیدند ، و آن مرد چون بیرون آمد گفت که آبی عظیم در این کاریز روانست و آن کاریز چهار فرسنگ می رود و آنرا گفتند کیخسرو فرموده است .

در سرزمین قهستان برای کشت و برز از آب چاه و قنات استفاده میکردند ورود قابل ملاحظه ای در آنجا جریان نداشت . اصطخری باین موضوع اشاره کرده است : «دره کوهستان رود آب نیست و جز چاه و کاریز نباشد .»

در سده های پنجم و ششم و هفتم هجری قمری اسماعیلیان در ایالت قهستان کمین کرده و استحکامات و قلاع متعددی برای خود بنا نهادند : «در سال ۴۸۴ (۹۲ - ۱۰۹۱ میلادی) شورش در قهستان در گرفت اسماعیلیان قلعه ای را که در حوالی قاین بود تصرف کردند سپس بکاروانی که از نزدیکی قلعه عبور میکرد حمله بردند و لشکریانی را که از قاین بجنبگ آنان آمده بودند شکست دادند شورش سرتاسر قهستان را دربر گرفت رهبر شورش حسین قاننی که یکی از داعیان حسن صباح بود اسماعیلیان برهبری همان داعی ، خور - خصف - زوزن - قاین و تون و حول و حوش این شهرها را تصرف کردند»<sup>۱</sup> سلاطین سلجوقی برای دفع این جماعت چندین بار لشکر آراستند و تصمیم بقلع و قمع آنها گرفتند ولی هر بار بعللی در اینکار توفیق نیافتند و ملاحظه را بحال خود رها کردند .

مؤلف تاریخ جهانگشا<sup>۲</sup> باعزام قوای مکرر از جانب ملکشاه سلجوقی (۴۸۵ - ۴۶۵) برای مبارزه با آنها اشاره

فردوس از شهرهای قدیمی خراسان است که در جنوب غربی این استان و در حاشیه کویر نمک قرار دارد . نام پیشین آن تون بود که مترادف با طیس ذکر میشود . این شهر از زلزله شدید و سهمناک اخیر صدمه و آسیب فراوان دید بناهای قدیمی و کهنسال آن با خاک یکسان شد و بنظر میرسد شهری که بیش از هزار سال است درباره آن کمابیش گفتگو شده است بکلی از صفحه روزگار محو شده است ، خوشبختانه اقدام سریع دولت در ایجاد بناهای تازه و تعمیر و مرمت ابنیه آسیب دیده قدیمی یکبار دیگر این شهر را که میرفت جز نام چیزی از خود بیادگار نگذارد احیاء کرد (البته صرف نظر از چهره قدیمی و کهنه شهر) حدوث زمین لرزه در فردوس و بطور کلی در منطقه جنوبی خراسان که سابقاً قهستان (کوهستان) - قوهستان - کهستان . .) نام داشت و خود ایالت جداگانه ای بود امری بی سابقه نیست در این باره بطور اختصار بنوشته معین الدین محمد زمچی اسفزاری استناد میکنیم<sup>۳</sup> : «در تاریخ بیست و یکم ربیع الاول سنه ثمان و تسعین و ثمانمانه (۸۹۸) در روز جمعه پیش از صلوٰة چند قریه از قهستان را زمین لرزه نابود کرد و قریب دوفرسخ زمین بین قریه نوزاد و ملک شکافته شد چنانچه قرآن پیدا نیست . . . .»

تاریخ بنای شهر فردوس درست معلوم نیست و هر يك از مورخان و جغرافی نگاران درباره گذشته آن باختلاف سخن گفته اند . حکیم ناصر خسرو قبادیانی که هنگام بازگشت از سفر طولانی خود از مصر و عربستان از جاده سخت و دشوار داخله کویر بفردوس رسیده درباره آن اینطور مینویسد<sup>۴</sup> : «شهر تون شهری بزرگ بوده است ، اما در آنوقت که من دیدم اغلب خراب بود و بر صحرائی نهاده است و آب روان و کاریز دارد و بر جانب شرقی باغهای بسیار بود و حصار محکم داشت . گفتند در این شهر چهارصد کارگاه بوده است که زیلو بافتندی و در شهر درخت پسته بسیار بود در سراهها و مردم بلخ و تخارستان پندارند که پسته جز بر کوه نروید و نباشد ، و چون

میکند: «در اوایل سنه خمس وثمانین واربعماء (۴۸۵) امیری دیگر را از خواص او نامش غزل سارغ نامزد دفع ملاحظه قهستان کرد و لشکرهای حدود خراسان را بتابعیت و مطاهرت او فرمود غزل سارغ آن جماعت را در حصار دره<sup>۷</sup> که متصل بیستان است از مضاف مؤمن آباد (مومناباد) محصور کرد و بچنگ ایشان مشغول شد، پیش از استخلاص خیر وفات ملکشاء باو رسید از آنجا برخاست و لشکر او متفرق شدند و آن جماعت نیز چون طاغیان الموت دست تطاول بهر طرف دراز کردند و پای تعدی بکشیدند.»

پس از آن سلطان سنجر بدفع فرقه اسماعیلیه همت گماشت ولی او نیز موفقیتی نیافت و پیروان حسن صباح در قهستان همچنان در قلاع خود میزیسته و گاهی خارج از قهستان مانند سیستان و کرمان و فارس لشکر میفرستادند. در اوایل نیمه دوم سده هفتم هولاکوخان مغول از دربار قراقروروم (پایتخت مغولستان) مأموریت سرکوبی آنها را پیدا کرد، او با قوای خود به قهستان آمد و شهر تون را اشغال و قتل عام کرد و خرابی زیادی ببار آورد، در تاریخ جهانگشای جوینی باین موضوع اشاره شده است<sup>۸</sup>: «چهارپایان انتعاش یافتند برعزم جهاد و اقلع قلاع الحاد بقصد رایات و بنود و احتشاد جنود اشارت راندند تمامت لشکرها که در آن حدود بودند از ترك و تازیك مستعد گشتند، چون قصبه تون هنوز از روی صورت زبون نگشته بود و همچنان بر سر صلاحت قدیم بود ابتدا قاصد آن شد و در اوایل ربیع الاول بطالع مبارک مراکب فتح و ظفر بارگیر مراد ساخت.»

یکی از سرداران مغول موسوم به اوتا کوچینا دوازده هزار نفر از ملاحظه در قهستان بقتل آورد، سپاهیان هولاکو چهل هزار نفر از مردم تون را از دم تیغ گذراندند و تخت سردار خود را بر روی اجساد کشتگان استوار ساختند. با اینحال پیروان حسن در سالهای بعد هنوز کم و بیش در این شهر فلاکت زده وجود داشتند این موضوع را مؤلف روضات الجنات<sup>۹</sup> تأیید میکند: «مردم تون اکثر برفض منسوب اند، مردم نیک آن ولایت (قهستان) بغایت نیک اند و بدان ایشان بسیار بد و گویند طول و عرض آن ولایت چهارصد فرسنگ در چهارصد فرسنگ است و بدان سبب چهارصد قهستان میگویند و مردم آنجا اکثر نویسنده و اهل حسابند و بعضی اهالی آنجا حسن صباح را در وقت خروج او مدد کرده بودند و بمرحرفات باطل او گرویده و بدین جهت بعضی از ایشان را بالحدادت همت میکنند و چنان مشهور است که حالا نیز از چند موضع آنجا خراج حسن صباح را جدا کرده پسرگور او میفرستند تا غایتی که میگویند بعضی پیره زنان از هرده کلابه (کلاف) ریمان که میریستد یک کلابه عشر حسن صباح که او را ایشان امام میگویند جدا میسازند.»

مارکوپولو<sup>۱۰</sup> جهانگرد معروف ونیزی که سالهای درازی را در دربار قویلیای قآن (نوه چنگیزخان) امپراتور چین گذرانده است هنگام عبور از ایران از ولایت قهستان گذشته و راه دشوار کویری این ناحیه را درنوردیده است در سفرنامه معروف خود ولایت قهستان را تونکین<sup>۱۱</sup> (از تون وقاین) ذکر کرده و در این خصوص مینویسد<sup>۱۲</sup>: «راه کرمان بخراسان خیلی خسته کننده و ملال آور است و تا سه روز آب و ذیرو حی دیده نمیشود بعد از سه روز به نقطه ای میرسید که نهر آبی از زیر زمین جریان دارد و بعد تا چهار روز آب پیدا نمیشود و تنها تفاوتی که با بیابان اولی دارد اینست که گورخر در این راه زیاد دیده میشود. منتهی الیه بیابان مزبور شهر کوهبنان است که آخرین نقطه خاک کرمان میباشد کوهبنان شهر زرگی است که اهالی آن مسلمانند و آهن و فولاد و نوتیا فراوان دارد و از صنایع اختصاصی این محل آئینه های زرگی است که در بازار شهر بفروش میرسد. از شهر کوهبنان که خارج میشوید به بیابانی میرسید که هشت روز راحت و هیچ میوه و درخت ندارد و آب هم بندرت در آنجا یافت میشود و اگر هم پیدا شود خیلی تلخ و بدطعم است. این بیابان بخاک تونوکین منتهی میشود. راهی که مارکوپولو پیموده بعلت خطراتیکه دربر داشته است کمتر مورد توجه و عنایت جهانگردان و سیاحان بوده است. آلفونس گابریل<sup>۱۳</sup> در کتاب خود موسوم به تحقیقات جغرافیائی در ایران<sup>۱۴</sup> مطالبی درباره راههاییکه از داخله کویری

۱ - کوهستان از جمله خراسان است در بیابان پارس، و هیچ شهر ندارد و قصبه این ناحیه را قاین خوانند، شیعه باشند، قصبه آن نیاید (کتاباد) و طسین ترف به کبری (وخور) . . . نقل از ممالک و ممالک - ذکر اقلیم خراسان تألیف امپطری سده ۵ - ۶ ص ۲۱۶ - ۲۱۵.

۲ - ر. ک به کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ج ۲ ص ۲۲ تصحیح و حواشی و تعلیقات از سید محمد کاظم امام.

۳ - سفرنامه نامرخصرو ص ۱۲۵.

۴ - ممالک و ممالک ص ۲۱۵.

۵ - ر. ک به کتاب نامرخصرو و اسماعیلیان تألیف آ. ی. برتلس ترجمه ای، آرنهورس ص ۱۳۹ - ۱۳۸.

۶ - عطا ملک جوینی - ج ۳ ص ۲۰۲.

۷ - دره قره ایست واقع تقریباً در پاترده فرسخی جنوب طسین سینان و ۲۰ فرسخی جنوب شرقی بیرجند بر سر راهیکه از بیرجند به سیستان میرود و قلعه کهنه هنوز در تپه های اطراف باقی است.

۸ - ص ۱۰۲.

۹ - معین الدین اسفزاری ص ۳۰۷.

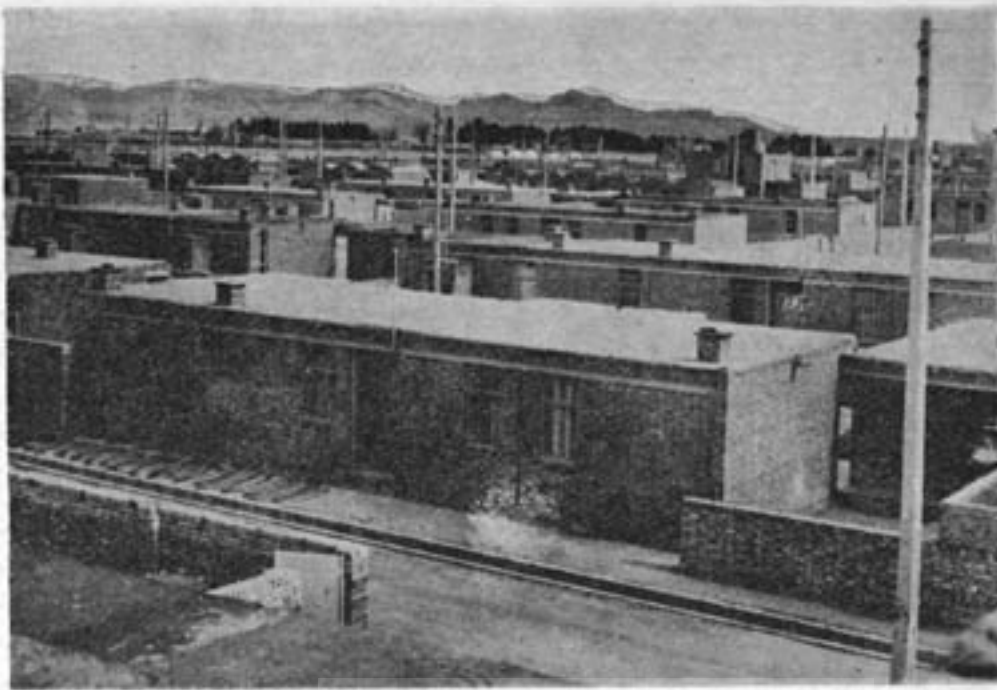
۱۰ - Marco Polo (۱۳۲۳ - ۱۲۵۱).

۱۱ - Tunocain.

۱۲ - ر. ک به سفرنامه سرپرسی سایکس ص ۳۸.

۱۳ - Alfons Gabriel.

۱۴ - Die Erforschung Persiens.



منظره شهر فردوس بعد از زلزله (عکس از نگارنده سال ۱۳۴۹ شمسی)

خطه باعث شدند که بعدها پای گروه دیگری از جهانگردان  
باین مناطق باز شود . . . »

فویسنده کتاب تقویم البلدان<sup>۲۰</sup> (در سده‌های ۷-۸ هجری)  
تون را بعنوان شهر کوچکی از خطه قهستان ذکر کرده است .  
حمدالله مستوفی درباره این شهر مینویسد<sup>۲۱</sup> «تون از اقلیم  
چهارم است طولش از جزایر خالدهات ص ب ک و عرض از خط  
استوالدک ، در اول شهر بزرگ بوده و اینترمان شهری وسط  
است و وضع آن شهر چنین نهاده‌اند که اول حصار بی‌غایت  
بزرگ نهاده و خندق عمیق بی‌آب دارد و بازار در گرد حصار  
در آورده و شهر و خانه‌ها در گرد بازار و باغات و توستانها  
در گرد خانه‌ها و غله‌زار در گرد باغات و در گرد غله‌زارها بندها  
بسته که آب باران میگیرند و آب بدان غله میبرند و در آن  
بندها خرزّه بی‌آب زراعت میکنند بغایت شیرین میباشد و آبش  
از کاریزها است و هوای معتدل و حاصلش غله و میوه  
و ابریشم باشد . . . »

در اواخر دوره تیموریان شهر فردوس نیز مانند بسیاری  
از شهرهای قهستان دست بدست میگشت و مردم آن روزگار  
خوشی نداشتند . در دوره صفویه و در زمان سلطنت شاه تهماسب  
اول (۹۸۴-۹۳۰) ارگ بزرگ تون که بنایش را به عمرولیت  
سفاری (۲۸۷-۲۶۵) نسبت میدهند تعمیر شد .

شهر مزبور در دوره قاجاریه دارای حصار و برج و باروی  
مستحکمی بوده است . مؤلف مرآت البلدان<sup>۲۲</sup> اوضاع شهر تون

ایران میگذرد و از طریق فردوس به مشهد میرسد نوشته است  
منجمله : گوآ<sup>۱۵</sup> که در سال ۱۶۰۲ میلادی با عده‌ای بایران  
آمده بود از مسیر جاده طیس (گلشن) عبور کرده و امکان  
زیاد دارد که فردوس را نیز دیده باشد ، او درباره این منطقه  
مینویسد : «سرزمینی بود بی‌آبادی بطوریکه ما در طول ۶۰ میل  
حتی یک درخت سبز ندیدیم تمام این منطقه غیر مسکون است  
فقط در فواصل ۱۵ تا ۲۰ میلی قلاعی بچشم میخورد که مباح  
برای استراحت و تهیه کردن مقدار کمی آب (بدمزه) بآنجاها  
مراجعه میکردیم . این قلعه‌ها برای پاسداری راهها در قبال  
دستبرد راهزنان ساخته شده است . . . »

در جای دیگر میگوید<sup>۱۶</sup> : «تونکین منطقه‌ایست که از  
ترکیب نام دوشهر تون و قاین درست شده ، تا سال ۱۹۲۸  
هیچکس راه بین کوه بنان و طیس را پیدا نکرده بود اما  
در همین سال من و همسرم توانستیم خط سیر مارکوبولو را  
طی کرده و آنرا تأیید نماییم .» آلفونس گابریل اضافه میکند<sup>۱۷</sup>  
که بهترین گزارشی که درباره مسیر فردوس داریم از تروئی هیر<sup>۱۸</sup>  
است که در سال ۱۸۰۷ از طریق جاده کاروانی از تهران بشهد  
واز آنجا به یزد رفته بود میباشد . جهانگرد مزبور از شهرهای  
تربت حیدریه و گناباد و تون و بشرویه و طیس گذشت و ضمن  
بحث درباره خط سیر اصلی خود درباره آبادیهای اطراف  
مسیر خود نیز برای اروپائیان گزارشهایی بهمراه آورد ، او  
و جهانگرد دیگری موسوم به دویره<sup>۱۹</sup> با مسافرت خود در این

را قریب صد سال قبل اینطور شرح میدهد: «تون از شهرهای خراسان، میانه قاین و طبس واقعت حصار محکم دور این شهر کشیده شده، بعضی از علمای جغرافی خاصه مسافری محمد مجدی نام که معلوم نیست در چه سال بتون سفر کرده و در یکی از کتابهای فرنگی سیاحتنامه او ترجمه شده و بنظر مؤلف رسیده نوشته که شهر تون را بسبب شهرهای چین ساخته اند یعنی مدور بنا نموده بالجمله در اینکه این شهر چشده که بطرز شهرهای چین ساخته اند احتمالات است. در وقت تسلط مغول بر ایران این شهر را این طایفه بنا کرده اند و بواسطه قرب جوار آنها با چین که در واقع خود آنها هم تبعه چین بوده و هستند بطرزهای خود بنیاد این شهر را نهاده اند یا اگر پیش از غلبه مغول این شهر بنا شده در آترمان مندرس بوده و مغول تجدید عمارت کرد (این فرض صحیحتر بنظر می آید) مؤید این خیالات ابتدا شدن اسامی شهرهای چینی غالباً بلفظ تون است مثل توتق و توتان و تونگ شان و تونگ و غیره که همه از بلاد چین است. بهر حال دوهزار و پانصد خانوار در شهر تون ساکن اند، باغات پرفواکه و صحرائ آن حاصلخیز است، تریاک و ابریشم و تنباکوی آن در صفحات خراسان معروف است و بواسطه کمی آب غله آن زیاد نیست و همه ساله محتاج باتباع غله از خارج هستند، مویز و پسته تون معروفست و بولایات دیگر حمل میشود. آب تون از کاریز و هوای آن معتدل است عدد نفوس سابقاً زیاد بوده اینک تقریباً شش هزار است شتر و گوسفند تون فراوان است ولی اسب کم و نادر است. باغات اطراف شهر را آب برکه مشروب میکند، بازار و مسجد و کاروانسراهای معتبره که از آجر ساخته شده در تون موجود است. یک حد این ولایت ترشیز (کاشمر کنونی) و حد دیگر بلوک کرمان و یک حد بقاین و حد آخر طبس است، باغستانی دارد که دوفرسخ امتداد آنست در میان این باغستان هر چه کوچک قرار داده اند خیابان مانند از دو طرف مقابل یکدیگر میباشد. بلوک تون جنابد (گناباد) بشرویه که برک خوب در آنجا بعلل می آید، بیرون سه قلعه نای سندان خوسیب و خور این دو بلوک جای سکناى اعراب نخمی است.

ایلات آن ولایت سه طایفه اند: عرب لالوئی، عرب نخمی و عرب زنگوئی.

علمای بزرگ باین ولایت منسوبند از جمله مولانا معین علامه که اشرف فضایی خراسان بوده و خانقاه و مدرسه رفیع مزینی در این شهر بنا کرده و مولانا حسن که عین عمل باشاره عزلت اختیار کرده و شرای این ولایت یکی میرحاج است که او نیز سالها از مردم برکنار و در گوشه غاری بسر برده و حیرتی و تئاری نیز از شرای معتبر این ولایتند.

از شهر تون که بر طبق تصمیم هیأت وزراء در شهریور سال ۱۳۱۴ خورشیدی تغییر نام داده و به فردوس معروف

شده است علاوه بر آنچه مرحوم صنیع الدوله نوشته رجال سرشناس دیگری هم برخاسته اند از آنجمله احمد بن عباس تونی و ابراهیم ابن اسحاق بن تونی و اسماعیل بن عبدالله بن ابی سعد بن ابی الفضل تونی که یاقوت حموی در کتاب خود معجم البلدان<sup>۴۴</sup> از آنها بنیکی یاد کرده است. مولانا علی اکبر تونی و فرزندش مولانا محمد تقی که هر دو در سده دوازدهم هجری میزیسته اند از علما و روحانیون طراز اول خراسان بشمار میرفتند . . .

ژنرال سرپرسی سایکس مأمور دولت انگلستان که در اواخر دوره قاجاریه چند سالی را با مشاغل مختلف در ایران گذرانده درباره شهر تون مینویسد<sup>۴۵</sup>: «شهر تون در حدود چهار هزار جمعیت دارد و حصار دور آن کشیده شده و در داخله آن اکثر اراضی زراعت میشود و رویهمرفته منظره نامطبوعی ندارد و در واقع با چهار هزار و سیصد فوت ارتفاع درجه حرارت آن آنقدرها زیاد نیست با وجود این، جمله «به تون و طبس» که مفهوم آن با جمله بهاریجا (اریحا یکی از دهات واقع در وادی اردن فلسطین میباشد - مترجم) مطابق ورد زبان ایرانیها میباشد . . .»

در سال ۱۳۴۰ خورشیدی کتابی تحت عنوان زیر آسمان کویر چاپ و انتشار یافت که درباره شهر فردوس صفحاتی را اختصاص داده است<sup>۴۶</sup> در این کتاب عکسی از دورنمای شهر فردوس موجود است که با مقایسه چهره کنونی شهر بعد از زلزله اخیر مشکل است باور کرد که این همان شهر ده سال قبل بوده است، از خانه های خشتی و گلی با طاقهای کوچک و بزرگ و بادگیرهای متعدد در عکس جدید خبری نیست ساختمانهای آجری یک طبقه که با تیر آهن ساخته شده جای خالی بناهای قدیمی و کهنسال را گرفته است. مهمترین بنای تاریخی فردوس

۱۵- Antonio Gouvea سفیر اسپانیا که از طرف فیلیپ سوم مأمور دیوار شاه عباس گنبد شد سفیر مزبور سه بار بایران آمد.

۱۶- ص ۳۸ .  
۱۷- ص ۱۴۳ .

۱۸- متن آلمانی کتاب آلفونس گابریل بوسیه آقای دکتر رجی استاد یار دانشگاه استهبان تراختیار نگارنده قرار گرفته است که بدینوسیله از ایشان تشکر مینمایم .

۱۸- M. Truilhier  
۱۹- Dupré

۲۰- عبادالدین اسماعیل بن محمد بن عمر المعروف بابی القدا التونی  
سنه ۷۳۲ ص ۴۴۴ .

۲۱- ترهات القلوب ص (۱۴۴ - ۱۴۳) .

۲۲- مرحوم صنیع الدوله - ص ۵۰۳ ج اول ۱۲۹۴ هجری قمری .

۲۳- مجلد اول ص ۹۰۰ - انتشارات اسدی تهران ۱۹۶۹ .

۲۴- ر . ک به سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران  
ترجمه حسین سعادت نوری ج ۲ ص ۳۹ - ۳۸ .

۲۵- تألیف علی اسفر مهاجر ص ۲۱۰ - ۱۹۸ .

مسجد جامع آنست که متأسفانه بخش بزرگی از آن بر اثر زمین لرزه ویران شد و آنچه بر جای مانده است در دست تعمیر میباشد ، تزیینات آجری این بنا شباهت بسیاری به مسجد مخروبه ملک زوزن خواف دارد که در سده هفتم هجری بنا شده است . بقعه‌های امامزاده سلطان محمد و سلطان ابراهیم دیدنی است و اهل محل باین امامزاده‌ها اعتقاد و ارادت خاصی دارند . صنایع دستی فردوس و قصبیات آنرا بیشتر قالی بافی تشکیل میدهد . بافت قالیهای خود رنگ هم معمول است باین معنی که پشمها را رنگ نمیکند بلکه از پشم گوسفندانیکه هر کدام برنگی اند استفاده مینمایند اینکار بیشتر در آبادی (سه قلعه) که گلهداری در آن رواج دارد انجام میشود ، صنایع دستی دیگر مانند برک بافی و تهیه چادر شب و کرباس در این شهر و حومه آن رایج است .

مردم فردوس متدین و پاکدل و مسور و قانع اند و چشم طمع بمال دیگری ندارند مغازه‌ها و دکانهای این شهر اگر شب هنگام باز و صاحب آن حضور نداشته باشد مطمئن است که خطری اموال او را تهدید نخواهد کرد . شهر فردوس در عرض سال از باران کمی برخوردار است از اوایل بهار تا اواخر تابستان باران بندرت ریزش میکند ، بعلت گرمی هوا در تابستان گروه کثیری از اهل شهر به بیلاق میروند ، قصه بیلاقی آنها باغستان نام دارد که در فاصله ۱۸ کیلومتری شهر قرار دارد و دارای باغات میوه منجمله انار مرغوبی است که بشهرهای دیگر خراسان صادر میگردد .

در اطراف فردوس کشت زعفران هم معمول است که سالیانه مقداری از آن صادر میگردد ، بشروید<sup>۲۶</sup> و سرایان از بخشهای شهرستان فردوس میباشد که اهالی آنجا بدامبروری و کشاورزی اشتغال دارند و در کتاب ایرانشهر<sup>۲۷</sup> تعداد ۴۴ مسجد در شهرستان فردوس نام برده شده که برخی از آنها سابقه تاریخی دارند ، در اینجا ما بذکر اسامی ده مسجد اکتفا میکنیم :  
مسجد باغستان - مسجد جامع - مسجد تجاری - مسجد

امان الله - مسجد شیرعلی - مسجد داش گری - مسجد گلکی  
مسجد طالار - مسجد میرعلی بگ - مسجد میرزا یوسف . . .  
در کتاب مزبور از دو مدرسه نیز ذکری بمیان آمده است :  
مدرسه حبیبیه و مدرسه شیخ .

با ذکر دوبیتی‌هایی از فردوس باین مقاله پایان میدهیم :  
گر ناله زخم ناله زگیسود<sup>۲۸</sup> آید  
گر ناله ژنم از جگرم خون آید  
گر درد دلم را بتلم بنویسم  
شاید که از آن سر قلم خون آید

\*\*\*

از آن بالا میاد يك گله دختر  
همه چادر سفید و تفره بر سر  
بقریون یکی دختر جلو شوم  
متکا بندازم با هش دخو<sup>۲۹</sup> شوم

\*\*\*

دوتا سور<sup>۳۰</sup> بلند بودیم خدا<sup>۳۱</sup> هم  
جدا گشتیم هر دو میخوریم غم  
نه دستم میرسه سوری بچینم  
نه هم سور بلند سر میکنه خم

۲۶- Boshruya قصبه است در ۱۰۷ کیلومتری جنوب غربی فردوس  
۴۰۰۰ تن جمعیت دارد شغل مردم زراعت و گلهداری - صنایع دستی زنان  
بك و چادر و قالیچه بافی است (فرهنگ معین تنس ۲۷۰) شادروان  
محمد حسین ، بدیع الزمان فروزانفر استاد معروف دانشگاه در سال ۱۳۷۸  
خوشیندی در همین قصبه چشم بدینا گشود .

۲۷- ج ۲ ص ۱۳۷۷ .

۲۸- قلب .

۲۹- بخواب رفتن .

۳۰- سرو .

۳۱- بهلوی و مقابل .

رتال جامع علوم انسانی